

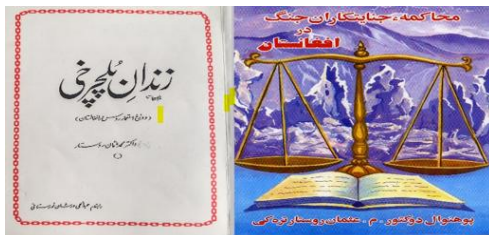
مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵ / ۱۲ / ۲۷

دوکتور محمد عثمان تره کی

مکت کوتا در حواشی غوغای قتل قوماندان اکرام الدین



در اگست ۱۹۸۷ با خروج از زندان در اولین روز بازگشت به پوهنتون مرحوم محمد انور ارغندیوال در یک مجلس خصوصی استادان به سبیل خوش آمدید بمن گفت: «... دیپلومی را که از حبس طویل المدت بدست آورده یی برایت تبریک میگویم». صحبت استاد ارغندیوال یک خبر مقدم و تعارف ساده نبود. دنیایی از واقعیت را انعکاس میداد. زندان واقعن یک مکتب بود. مکتب آشنایی با مردمان دارای فکر و سلیقه رنگارنگ. مکتبی که افغانستان با همه

خوبی ها و بدی هایش دران خلاصه شده بود. مکتب مشاهده ظلم و بی عدالتی نظام برحال. مکتب عقده های سرکوب شده انتقام جویی از ستمگران حاکم. جوانی و ماجراجویی به انسان ظرفیت لایتنهای خیالپردازی را میسر میگرداند: با خروج از زندان گاهگاهی با چکر زدن در دنیای تخیل خود را مستعد رهبری یک انقلاب فکری مדיاتیک تصور میکردم که دران عدالت از چنگال خونین مصلحت و سیاست رهایی پیدا کند.

تجربه زندان از یک سو و چشم دید خیانت ها و جنایت های نظام حاکم در کشور در سوی دیگر انگیزه گردید، تا لا اقل با قلم و زبان صدای عدالت را بلند کنم. به این منظور کتاب خاطرات زندان را که دران از جنایت های جناح پرچم حزب دیموکراتیک خلق پرده برمیداشت نوشتم. در کتاب دیگری زیر عنوان محاکمه جنایت کاران جنگ در افغانستان موضوع تصفیه حساب با حلقات خاین به وطن را مطرح کردم. بار ها با مدیا و مطبوعات پروگرام های اختصاصی، محاکمه خائنین ملی و ناقضین حقوق بشر را به این امید مطرح کردم تا تابوی سکوت شکسته شده و موضوع حد اقل در سطح مطبوعات جدی گرفته شود. اینهمه تلاش توأم با تخیل به دلایل زیر جایی را نگرفت:

- در حالات عادی باید حکومت ها ابتکار تعقیب جنایتکاران و خائنین را بدست بگیرند. در افغانستان حکومت هائیکه از طُرُق غیر اصولی جون کودتا، جنگ (جهاد) و مداخله خارجی بر مسند قدرت تکیه زده بودند، خود متهم به جرم و جنایت بودند.

- سازمان های مدافع حقوق بشر در داخل و خارج تحت تاثیر قدرت های اشغالگر خارجی که ریکارد های ثبت شده جنایت داشتند، مصلحت اندیشی میکردند.

- بخشی از روشنفکران وابسته به حلقات چپ و راست دُم در رکاب حاکمیت های فاسد مورد حمایت قوای اشغالگر بستند. روشنفکران بیرون قطب بندی های سیاسی در جمود و خمود فکری قرار داشتند. هیچیک شهادت این را که لا اقل چند سطری به دفاع از داعیه محاکمه خائنین و مجرمین سیاسی بنویسند نداشتند. اگر از دوره تجاوز شوروی بگذریم شما در مدت بیست سال اشغال امریکا در حد بیست نوشته را که از نقص حاکمیت ملی و اشغال مذمت شده باشد دریافت نمیتوانید.

اینهمه بیتفاوتی و گریز از مسئولیت موجب شد که نسل جوان:

- حضور قوای خارجی و حالت اشغال کشور را یک پدیده طبیعی و عادی تلقی کند.
- زمامداران پاراشوته شده قوای اشغالگر خارجی رکن ابدی سرنوشت افغانستان قیاس نماید.
- تحت تاثیر تبلیغات غرض آلود استخبارات خارجی قوت های مقاومت و جهاد را اشرار و تروریست خطاب کند.
- از جنایتکاران جنگی و خائنین ملی قهرمان بسازد و کردار آنها را الهام بخش مبارزه سیاسی خود قرار بدهد.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولی

نسل جوان راه گم کرده و استعمار زده واقع بین شست و شوی مغزی و بازسازی فکری ضرورت دارد. از عهده این کار تنها یک حکومت ملی، مسلمان واقعی و متعهد بیرون شده میتواند.

مردم متوقع بود که با تشکیل حکومت دور دوم طالبان عدالت عمری افغانستان را از شر مجرمین نجات بدهد. اما طالبان با کمال بی مسئولیتی با اعلام عفو عمومی مجرمین را برائت دادند. زمینه تبدیل مجرمین بالقوه را به بالفعل و نهایتاً استمرار ارتکاب جرم و جنایت را مساعد ساختند. اینهمه موجب شد که مجازات مجرمین از حیثه صلاحیت دولت و قانون بیرون شده و در اختیار مردم کوچه و بازار قرار بگیرد.

ترور مسئولین امنیتی نظام جمهوریت را میتوان به عنوان نمونه عدالت کوچه و بازار بر مبنای انتقام جویی های شخصی قیاس کرد.

در مدت نیم قرن عدم توجه به داعیه تطبیق عدالت موجب شده است که افغانستان با سقوط یک نظام جنایتکار در پنجال خونین نظام دیگری گیر بیافتد.

غوغای بوجود آمده در حادثه ترور قوماندان امام الدین سریع را در مدیا و مطبوعات باید در محتوای همین بی تفاوتی و بی مسئولیتی عمومی ارزیابی کرد.

درین شب و روز شبکه های اجتماعی مملو از تبصره های غالبین جوانان عقده مند و راه گم کرده در اطراف حادثه مرگ امام الدین است. شماری در تلاش است تا به سلسله قهرمان سازی های مفت و رایگان از وی قهرمان بسازد. عده دیگر در برابر امام الدین به مثابه شهید راه آزادی سر تعظیم فرو میاورد. برخی او را موره ئی از موره های قربانی شده استبداد قومی تصور میکند. اما هیچکسی این سوالات را مطرح نکرد که امام الدین :

- با این عمر کم چگونه به مرتبت جنرالی رسید ؟
- چرا با قوای اشغالگر خارجی در یک وظیفه بزن و بکش همکاری کرد ؟
- در مدت اشغال وظیفه چند هموطن خود را بنام تروریست به قتل رساند ؟
- با سپاه پاسداران ایران بر ضد مردم افغانستان مصروف مهندسی کدام توطئه بود ؟

اگر به این سوالات از جانب یک مرجع مسئول دولتی جواب منطقی و قناعت بخش پیدا نشود، به مشکل میتوان جلو طغیان جذبات انتقام جویی را در کوچه و بازار گرفت.

قتل امام الدین و امثالهم در کوچه و پسکوچه قابل توجیه نیست. وی باید پس از یک محاکمه عادلانه مجازات میشد و یا بری الذمه شناخته میشد.

از اوضاع چنان معلوم میشود که در کشوری که معتاد به مصلحت اندیشی سیاسی است، رهبری از یک انقلاب فکری رویای غیر قابل تحقیق بیش نیست.

« پایان »



آرشیف: مطالب نشر شده دوکتور محمد عثمان تره کی